

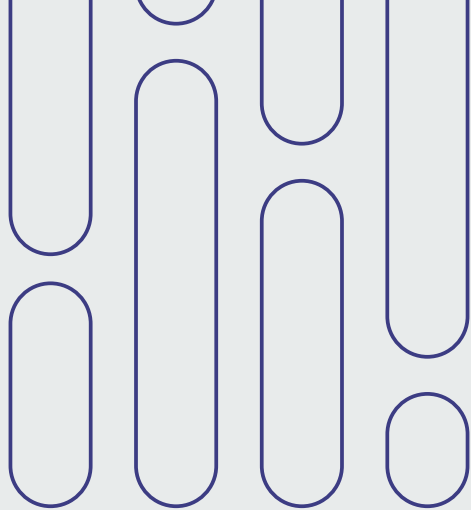
گزارش وضعیت

آرزوی ناگزیر مسائل دینی مانع دسترسی ایران به سلاح هسته ای می شود؟

۱ مه 2023



RASANAH
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies



فهرست

- نخست: مرحله بحرانی هسته ای 3
- دوم: نشانه ها و پیامدهای افزایش مطالبات در زمینه
دستیابی به سلاح هسته ای 6
- سوم: آینده فتوای خامنه ای و رویکرد هسته ای ایران
چيست؟ 10
- برآیند 14

محمد فاکر میبیدی عضو هیأت علمی مرکز علوم اسلامی در ۲۳ مارس ۲۰۲۴ میلادی در یک اظهارات جنجالی در مورد پرونده هسته ای ایران گفت که ایران به سلاح هسته ای به عنوان یک وسیله مدرن بازدارنده، نیاز دارد. علی رغم اینکه این اظهارات با فتوای مشکوک خامنه ای در مورد تحریم ساخت سلاح هسته ای که هنوز هم ایران آن را سرلوحه خود در پرونده هسته ای می داند تضاد دارد، اما هر از چندگاهی مسأله گذر از این فتوا از سوی برخی رهبران دینی و سیاسی مطرح می شود. از این رو، هیچ بعید نیست که ایران در هر مرحله ای برنامه هسته ای اعلام شده خود را تغییر دهد؛ به ویژه اینکه بر اساس ایدئولوژی نظام نیز هیچ مانعی برای این امر وجود ندارد. و از آنجا که داشتن سلاح هسته ای به ایران قدرت بازدارندگی در مقابل دشمنان را می دهد و در زمینه تحقق جاه طلبی های خارجی اش کمک شایانی می کند، واقعیت دنیای امروز نیز ایجاب می کند که ایران رویکرد خود در برنامه هسته ای را تغییر دهد.

این اظهارات در برهه کنونی چه اهمیتی دارد؟ انگیزه ها و پیامدهای آن بر برنامه هسته ای ایران چیست؟ و آیا واقعا امکان دارد که در آینده نظام رویکرد هسته ای خود را تغییر دهد؟

نخست: مرحله بحرانی هسته ای

می دانیم که پرونده هسته ای ایران از سال ۲۰۰۲ میلادی به عنوان یک مسأله تأثیرگذار، در روابط میان ایران و قدرتهای بین المللی مطرح شد. و می توان گفت که ایران از همان زمان در روابط با غرب یک برگ فشار مهمی به دست آورد. بعد از پایان جنگ با عراق، ایران توانست با توسعه برنامه موشکی خود در مقابل هرگونه حمله ای شبیه حملات موشکی عراق در دهه هشتاد قرن گذشته، قدرت بازدارندگی ایجاد کند. همچنین ایران توانست از طریق شبه نظامیان در کشورهای همسایه با

گسترش حضور خود ورای مرزها، جنگ را نیز به آن سوی مرزها بکشاند. و در چندین کشور برای خود خط دفاعی ایجاد کند. همچنین ایران در این درگیریها پرونده هسته ای را به عنوان مسأله اساسی و برگ فشاری قرار داد که همچون سپری از شدت فشارهایی که به نظام وارد می شود، بکاهد.

اقدام ایران در اهتمام به مسأله برق هسته ای درخور توجه بوده است. نظام همواره بر صلح آمیز بودن برنامه هسته ای خود اصرار ورزیده و در این راه، فتوای رهبر کنونی یعنی علی خامنه ای که دستیابی به سلاح هسته ای را حرام می داند، سر لوحه خود معرفی کرده است. تقریباً سه ماه قبل، یکی از مجریان شبکه تلویزیونی در گفتگو با محمد سلامی رئیس سازمان انرژی هسته ای به این مسأله اشاره کرد که اسرائیل سلاح هسته ای دارد و نخست وزیر اسرائیل مستقیماً ایران را تهدید می کند. سپس او این سؤال را مطرح کرد که «آیا وقت آن نرسیده است که ایران سلاح هسته ای داشته باشد و یا حد اقل یک آزمایش هسته ای انجام دهد؟ سلامی در پاسخ به این سؤال گفت که ایران راهبرد بازدارندگی فعال را دنبال می کند و داشتن سلاح کشتار جمعی هرگز در دکتترین دفاعی ایران جایگاه نداشته است». وی همچنین تأکید کرد که بر اساس فتوای علی خامنه ای رهبر ایران که به کارگیری سلاح هسته ای را حرام می داند، مسأله بازدارندگی هسته ای در راهبرد ملی ایران گنجانده نشده است».

با این همه، اهداف هسته ای ایران بر کسی پوشیده نیست؛ به ویژه اینکه در ابتدا برنامه هسته ای ایران کاملاً سری بود و قرار بود که ایران را به صف قدرتهای هسته ای برساند. علاوه بر آن، با نگاهی به سلسله پیشرفتهای فنی از زمان علنی شدن برنامه هسته ای ایران در سال ۲۰۰۲ میلادی، مشخص می شود که فعالیتهای ایران در حوزه برنامه هسته ای از سطحی که برای مقاصد صلح آمیز نیاز است، فراتر رفته است.

در این زمینه می توان به تغییر رویه ایران در برنامه هسته ای بعد از خروج ایالات متحده از برجام در سال ۲۰۱۸ میلادی اشاره کرد که ایران با کاهش سطح پایبندی به تعهدات برجامی، و نصب سانتریفیوژهای پیشرفته بیشتر، به غنی سازی اورانیوم با خلوص ۲۰ درصد و سپس ۶۰ درصد روی آورد تا اینکه ذخیره اورانیوم غنی سازی شده از سطح مجاز عبور کرد. و در عین حال، دسترسی ناظران آژانس به تأسیسات هسته ای را نیز محدود ساخت. علی رغم اینکه ظاهراً ایران طبق توافقات تدوین نشده نباید از خط قرمزی که ایالات متحده مشخص کرده است پا را فراتر نهد، اما گزارش اخیر آژانس بین المللی در مورد فعالیتهای ایران نشان می دهد که این کشور گامهای بلندی را به سوی نزدیک شدن به آستانه هسته ای برداشته است.

علی رغم اینکه بر اساس فتوای خامنه ای موانع ایدئولوژیک جلوی دستیابی ایران به سلاح هسته ای را گرفته است، اما تحولات کنونی نشان می دهد که ایران با در پیش گرفتن سیاست گشایش همزمان با ابهام و وقت خریدن، برجام با وضعیت بسیار پیچیده اش را مدیریت می کند. تهران با در پیش گرفتن این سیاست تلاش می کند اهداف صلح آمیز خود را بیان کند تا از فشارها و تحریمهای بیشتر دور بماند و ضمن همراهی با توافقات تدوین نشده، با توافقات جزئی بر اساس سیاست « اندک در مقابل اندک » همگام باشد؛ سیاستی که ظاهراً از زمان روی کار آمدن بایدن در اوایل سال ۲۰۲۱ میلادی، بر پرونده پیچیده هسته ای ایران حاکم بوده است. اما مشکل اینجاست که ایران از نقطه ضعفهای موجود در این سیاست و از شرایط بین المللی و منطقه ای استفاده می کند. و از هر فرصتی برای تقویت دستاوردها و افزایش دانش فنی هسته ای خود بهره می گیرد و امکانات مادی خود را نیز تقویت می کند تا در فرصت مناسب رویکرد خود را از برنامه صلح آمیز به برنامه نظامی تغییر دهد. و در این راه از اوضاع رقابت بین المللی و

جنگ منطقه ای که در پی جنگ غزه شعله ور شده است و نیز از بسته بودن افق دیپلماسی استفاده می کند.

به احتمال زیاد راهبرد ایران اساساً این است که با درپیش گرفتن یک سیاست نرم تلاش کند به هدف خود یعنی پیوستن به باشگاه هسته ای برسد؛ هرچند که نظام چنین هدفی را رد می کند. جا دارد که در اینجا به **اظهارات اخیر** رافائیل گروسی دبیر کل آژانس بین المللی انرژی هسته ای اشاره کنیم که در پاسخ به اینکه ایران برای دستیابی به سلاح هسته ای چه مقدار زمان لازم دارد، گفت: «ایران در حال حاضر سلاح هسته ای ندارد» اما او ادامه داد «ایران مقادیر زیادی اورانیوم با خلوص بالا ذخیره دارد که این مسأله جای تأمل دارد؛ زیرا هیچ کشوری نیست که اورانیوم را تا این سطح بالا غنی سازی کند اما سلاح هسته ای نداشته باشد».

دوم: نشانه ها و پیامدهای افزایش مطالبات در زمینه دستیابی به سلاح هسته ای

اینگونه اظهارات پیامها و نشانه های مهمی دارد اما در عین حال ممکن است پیامدهای خطرناکی نیز به دنبال داشته باشد که مهمترین آنها عبارتند از:

یک. فشار در داخل نظام برای تجدید نظر در فتوای خامنه ای: اظهارات محمد فاکر میبیدی اولین مورد در این زمینه نیست. بلکه پیش از او، محمد رضا صباغیان نماینده مجلس شورای اسلامی نیز در آگست ۲۰۲۲ میلادی **گفته بود:** «دشمن باید بداند که اگر چنانچه به گستاخها و تهدیدهای خود ادامه دهد، از رهبر می خواهیم که در راهبرد و فتوای تولید سلاح هسته ای تجدید نظر کند. و این برای جوانان ایرانی کاری بس آنان است». در طی چند سال گذشته چهره های سیاسی و نظامی رده بالای نظام بارها به طور مستقیم و غیر مستقیم موضوع توانمندی نظام برای تولید بمب هسته ای را مطرح کرده اند. که مهمترین مورد

آن اظهارات محمود علوی وزیر پیشین اطلاعات ایران در فوریه ۲۰۲۱ میلادی بود که گفت: «اگر ایالات متحده و غرب همچنان به فشارها و تحریمهای خود علیه ایران ادامه دهند، این احتمال وجود دارد که ایران در صدد تولید سلاح هسته ای برآید». در نوامبر ۲۰۲۱ میلادی نیز فریدون عباسی دوانی نماینده مجلس و رئیس پیشین سازمان انرژی هسته ای از این مطلب پرده برداشت که محسن فخری زاده معاون وزیر دفاع پیشین که پشت پرده در برنامه هسته ای ایران فعالیت می کرد و در سال ۲۰۲۰ میلادی ترور شد، علی رغم فتوای خامنه ای مبنی بر تحریم تولید، انباشت و استفاده از سلاح هسته ای، برای آن یک سیستم ایجاد کرده بود». تهدیدهای مسئولین ایران به همینجا ختم نشد. در همین زمینه محمد جواد لاریجانی رئیس پیشین ستاد حقوق بشر قوه قضائیه در اظهارات تهدید آمیزی گفت: «اگر بخواهیم بمب هسته ای بسازیم، هیچ کسی نمی تواند جلوی ما را بگیرد». از این رو، به نظر می رسد که یک رویکرد مخالف با نظر اعلام شده خامنه ای در زمینه دستیابی به سلاح هسته ای وجود دارد. و این اظهارات نشان می دهد که برخی از چهره ها و رهبران نظام خواهان دستیابی به سلاح هسته ای هستند و در سخنانشان به آن اشاره می کنند.

دو. رویکردی متناسب با دیدگاه خمینی: در سال ۱۹۸۷ میلادی ایران با قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل مبنی بر برقراری فوری آتش بس میان ایران و عراق و بازگشت اسیران جنگی به کشورشان و عقب نشینی نیروهای طرفین به مرزهای بین المللی موافقت کرد. خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی در توجیه این پذیرش، در **یک نامه محرمانه** نوشت که کمبود امکانات مانع از آن شد که نظام اسلامی به اهداف خود دست یابد. خمینی در آن نامه به اهمیت سلاح هسته ای و سلاحهای هدایت شونده لیزری اشاره کرد و به نظر می رسد که او بر اهمیت این نوع تسلیحات برای آینده نظام ایران تأکید می کرد. پس از مدت کوتاهی ایران برنامه

سری هسته ای خود را آغاز کرد تا اینکه در سال ۲۰۰۲ میلادی بر ملا شد. مرحوم هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور وقت نامه خمینی را در معرض دید رسانه ها قرار داد اما عبارت «سلاح هسته ای» از آن حذف شده بود. همین سانسور، در مورد اظهارات محمد فاکر میبیدی نیز اتفاق افتاد. خبرگزاری «مهر» آن بخش از اظهارات میبیدی در مورد «سلاح هسته ای» را حذف و به جای آن از عبارت «سلاح مدرن» استفاده کرد تا مبادا نظام به تغییر راهبردش متهم شود و از انتشار هرگونه سخنی که ممکن است جهان را علیه ایران تحریک کند، پرهیز گردد؛ مخصوصاً در زمان فعلی که ایران برای خروج از تنگنای تحریمهای آمریکا دست و پا می زند و احتمال بازگشت دونالد ترامپ که در مقابل جاه طلبی های ایران سرسختانه ایستادگی می کند، به کاخ سفید نیز افزایش یافته است..

سه. مطالبات مبنی بر استفاده نظامی از برنامه هسته ای: این اظهارات، آشکارا از نظام می خواهد که برای دستیابی به سلاح هسته ای اقدام کند. و رهبران نظام نیز تأیید می کنند که از دانش و فناوری لازم برای دستیابی به سلاح هسته ای برخوردارند. بی تردید، طرح پیاپی این اظهارات در داخل ایران و کشیده شدن آن از حوزه دینی به حوزه سیاسی می تواند در یک زمان حساسی به یک اجماع داخلی در مورد تلاش برای تغییر رویکرد هسته ای و تجدید نظر در فتوای خامنه ای منجر شود؛ به ویژه اینکه بلندپروازیهای هسته ای ایران سابقه دیرینه و جنبه ملی دارد که جنبه ایدئولوژی را تحت الشعاع قرار می دهد و جزو منافع ملی به شمار می رود. در نتیجه، هیچ بعید نیست که زمانی فرا برسد که شرایط، ضرورت دستیابی به سلاح هسته ای را ایجاب کند؛ به ویژه اینکه **اظهارات مقامات ایران** حکایت از آن دارد که ایران هر زمانی که اراده کند، می تواند به سلاح هسته ای برسد. همچنین این اظهارات نشان می دهد اهمیت این مسأله روز به روز بیشتر می شود. و نشان

می دهد که افکار عمومی نیز در مورد تغییر رویکرد صلح آمیز کنونی به رویکرد نظامی نیز تمایل دارد.

چهار. کنار گذاشتن محدودیتهای مربوط به پرونده هسته ای: برزی در داخل ایران بر این باورند که برنامه هسته ای با وضعیت کنونی خود، کشور را در انزوا قرار داده است. از این رو، به جای عقب نشینی در زمینه هسته ای و تسلیم شدن در برابر باج خواهی های غرب، گزینه مناسب آن است که سیاست کنونی که سرنوشت کشور و ملت را به پرونده لاینحل هسته ای گره زده است، کنار بگذاریم و با دستیابی به سلاح هسته ای، جامعه بین الملل را در مقابل واقعیت تازه ای قرار دهیم. مخصوصاً اینکه تمامی اظهاراتی که از تمایل به ساخت سلاح هسته ای حکایت داشتند، دلیل این تمایل را مقابله با فشارهای غربی و آمریکایی که بعد از خروج آمریکا از برجام بر ایران تحمیل شد، عنوان کرده اند. همچنین این اظهارات از نبود هرگونه امیدی به احیای برجام در دوره بایدن حکایت دارند که کشور از این بابت نیز مشکلات اقتصادی زیادی را تحمل کرده است. از این رو، احتمال دارد ایران برای مقابله با فشارهای آمریکا و پایان دادن به این وضعیت نابسامان، رویکرد هسته ای خود را تغییر دهد.

پنج. دستیابی به یک قدرت بازدارنده بسیار قوی برای مقابله با چالشها: ایران بیش از چهار دهه با فشارها، تحریمها و انزوای بین المللی دست و پنجه نرم می کند و امنیت داخلی و امنیت مرزهای آن نیز با چالشهای بزرگی روبرو است. بی تردید، سلاح هسته ای به ایران قدرت بازدارندگی می دهد و از منافع ایران پاسداری می کند و دیگر نیاز نیست که ایران برای محافظت از نفوذ منطقه ای و برای اینکه از خاک خود در برابر تهاجم خارجی پاسداری کند، دست به تلاشهای گسترده ای بزند. در این شرایط که دشمنان ایران از برتری نظامی بالایی برخوردارند، و همواره دانشمندان، فرماندهان نظامی و همچنین تأسیسات هسته ای

و زیرساختهای آن را هدف قرار می دهند، دستیابی ایران به سلاح هسته ای می تواند در برابر این خطرات بازدارندگی ایجاد کند و طرفهای رقیب را وادار به بازنگری در سیاستها و رویکردهای خود در قبال ایران کند.

سوم: آینده فتوای خامنه ای و رویکرد هسته ای ایران چیست؟

در سایه افزایش برخی خواسته های داخلی مبنی بر دستیابی به سلاح هسته ای، درباره آینده برنامه هسته ای، چندین سناریو مطرح می گردد که عبارتند از:

یک. سناریوی صبر استراتژیک: حتی اگر ایران بخواهد از سیاست اعلام شده صلح آمیز هسته ای خود عبور کند، آشکارا چنین نخواهد کرد بلکه همچنان برای دور ماندن از خطرات، فتوای خامنه ای را سپر خود قرار می دهد تا بتواند خود را از انزوا و فشارها برهانند. به احتمال زیاد در برهه کنونی ایران در زمینه هسته ای سیاستی را در پیش می گیرد که گاهی به تشدید تنش و گاهی نیز به کاهش تنش روی آورد و همچنان فتوای تحریم دستیابی به سلاح هسته ای را سپر خود قرار دهد. یعنی در مقابل هر اقدام ایالات متحده برای افزایش فشارها، ایران نیز فعالیتهای هسته ای خود را سرعت می بخشد. آنچه شانس این سناریو را افزایش می دهد، تجربه دیرینه ایران در این زمینه است. تجربه ثابت کرده است که حفظ نظام و پرهیز از جنگی که ممکن است به بهای بقای آن منجر شود، در رأس اولویتهای ایران قرار دارد. به ویژه اینکه ایالات متحده متعهد شده است که مانع دستیابی ایران به سلاح هسته ای شود. و اجازه نخواهد داد که ایران از این خط قرمز عبور کند. اما خطر اینجاست که ممکن است ایران مراحل تنش هسته ای را در خدمت تقویت توانمندی هسته ای خود به کارگیرد و با کاهش تعهدات هسته ای به عبور از آستانه هسته ای نزدیکتر شود. در نتیجه، ممکن است این رویکرد، در نهایت،

واقعیتی به نام ایران هسته ای را بر جهان تحمیل کند. و رقابتهای بین المللی کنونی و سرگرم بودن آمریکا به رقابت با قدرتهایی که جایگاه او را تهدید می کنند به پیشرفت این رویکرد ایران کمک کند. این نوع تحولات به ایران انگیزه می دهد که جاه طلبی های خود را در زمینه دستیابی به قدرت بازدارنده هسته ای با جدیت بیشتری دنبال کند.

دو. سناریوی گشایش و تفاهم: علی رغم اینکه آژانس بین المللی انرژی هسته ای از پیشرفتهای برنامه هسته ای ایران در سایه عدم نظارت کامل آژانس و در سایه پنهان کاری ایران در مورد برخی از تأسیسات خود ابراز نگرانی کرده است، اما به نظر می رسد که ایالات متحده و غرب کانالهایی برای گفتگو با ایران دارند که از نگاه غرب، کنترل بر برنامه هسته ای را ممکن می سازد. و اگر چنین نبود، هر یک از کشورهای اروپایی می توانست در مرحله گذشته با همکاری ایالات متحده درخواست خود برای فعال کردن میکانیسم ماشه و بازگشت تحریمها علیه ایران را به شورای امنیت ارائه کند. و این بدان معناست که در سایه فعال بودن کانالهای گفتگوی غیر مستقیم میان تهران و واشنگتن و یا اجرای برخی تعدیلات در برجام که ناشی از انقضای زمان برخی از مواد آن است، احتمالاً طرفها با توافقی که در نهایت ممکن است به احیای برجام ۲۰۱۵ میلادی منجر شود، فاصله چندانی نداشته باشند. اما ظاهراً روند دیپلماسی تا کنون با چالشهای بزرگی روبرو بوده است که مهمترین آنها اختلافات در مورد امتیازاتی است که طرفین برای بازگشت به وضعیت قبل از هشتم می ۲۰۱۸ میلادی که ایالات متحده از برجام خارج شد، واگذار کنند. چالش دوم نیز رویارویی غیر مستقیم میان تهران و واشنگتن است که با ورود ایران به خط جنگ روسیه علیه اوکراین و همچنین تحولات خاورمیانه بعد از جنگ غزه، دامنه آن گسترده تر شده است. چالش دیگر، نزدیک شدن به موعد انتخابات آمریکا است که بایدن را در مورد رابطه با ایران در تنگنا قرار می دهد. احتمالاً اگر چنانچه در آخر سال جاری نام ترامپ

از صندوق انتخابات آمریکا بیرون آید، اولویت های هسته ای ایران نیز تغییر خواهد کرد.

سه. سناریوی دکترین جدید: [بر اساس گزارش](#) اطلاعات آمریکا، «احتمالا ایران در واکنش به تحریمهای اضافه و یا حملات به مراکز هسته ای و انتقادات به برنامه هسته ای آن، سانتریفیوژهای پیشرفته تری را نصب کند و یا اینکه ذخیره اورانیوم غنی سازی خود را افزایش دهد و یا به غنی سازی اورانیوم با خلوص ۹۰ درصد اقدام کند» که این اقدام یک گام به سوی دستیابی به سلاح هسته ای به شمار می رود. و این سناریو نیز چندان بعید به نظر نمی رسد؛ زیرا علاوه بر اینکه همچنان حلقه تحریمها و فشارها بر ایران تنگ تر می شود، این کشور همانطور که مقامات آن بارها گفته اند، گام بلندی در زمینه هسته ای برداشته است و برای دستیابی به سلاح هسته ای، از فناوری، دانش و امکانات لازم برخوردار است. علاوه بر آن، ایران در زمینه تأمین امنیت داخلی و امنیت مرزها با چالشهای بزرگی مواجه است که این امر می تواند به تغییر دکترین هسته ای ایران منجر شود.

در این زمینه می توان گفت که فتوای خامنه ای که تا سال ۲۰۰۳ میلادی خبری از آن نبود و بعد از برملا شدن برنامه هسته ای ایران و اوج گرفتن تنش میان ایران و غرب مطرح شد، مانع تغییر رویکرد هسته ای ایران به سوی استفاده نظامی از برنامه هسته ای نیست؛ زیرا ایدئولوژی ایران نیز امکان چنین تغییری را توجیه می کند.

همچنین بنا بر اصول ثابت نظام، اگر چنانچه توافق هسته ای صورت نگیرد، مسائل سیاسی یعنی بقای «جمهوری اسلامی» بر مسائل دینی نیز اولویت دارد. در نتیجه این امکان وجود دارد که رویکردی که خواهان دستیابی به سلاح هسته ای هست، قوت گیرد و شرایط و تحولات نظام را به قبول این رویکرد سوق دهد. سخن به همینجا خلاصه نمی شود بلکه در اختیار داشتن سلاح هسته ای برای رهبران ایران نیز بسیار

مهم است. از نگاه ایران، در سایه نظام پر هرج و مرج بین المللی که در آن کشوری که قوی باشد می تواند بقای خود را حفظ کند، دستیابی به سلاح هسته ای در حفظ امنیت کشور بسیار مؤثر است. چرا که در اختیار داشتن سلاح کشتار جمعی مانند سلاح هسته ای، شیمیایی و بیولوژیک در مقابل هرگونه تجاوز بیگانگان، قدرت بازدارندگی ایجاد می کند. در این مورد، خامنه ای چنین استدلال می کند که دلیل مخالفت ایالات متحده با برنامه هسته ای ایران به خاطر جلوگیری از گسترش سلاحهای دسته جمعی نیست بلکه بدین خاطر است که احتمال دارد ایران هسته ای به استقلال و نفوذ اقتصادی دست یابد. در اینجا رهبران ایران و از جمله خامنه ای بر این نکته تأکید دارند که کسب استقلال هزینه دارد و ارزش هزینه را نیز دارد. پس هر کشوری برای کسب استقلال و تحقق حاکمیت و غرور ملی باید بهای خاصی را بپردازد.

تهدیدهایی که مطرح می شود مبنی بر براندازی نظام کنونی و روی کار آوردن نظام دیگری که با سیاستهای غرب همسو باشد، ممکن است به تغییر رویکرد هسته ای ایران سرعت بخشد؛ به ویژه اینکه سیاستهای ایالات متحده خواب را از چشمان رهبران نظام ربوده است. بنابراین، هرگونه اقدام آمریکا در راستای تهدید بقای نظام ایران می تواند به بازنگری در محاسبات ایران منجر شود و تمایل این کشور به تسریع در ساخت سلاح هسته ای را بیشتر کند تا ضمن مقابله با هرگونه حمله نظامی، برای محافظت از خود در مقابل هرگونه حملات احتمالی بازدارندگی و موازنه قدرت ایجاد کند. و این احتمال نیز وجود دارد که جنگ غزه با شکست سخت گروههای مقاومت فلسطینی پایان یابد و ایران نفوذ منطقه ای خود را در برخی کشورها از دست بدهد. در نتیجه، ایران برای مقابله با تهدیدات احتمالی به یک قدرت بازدارنده بسیار قوی نیاز دارد.

برآیند

آیا می توان گفت که اکنون همه مسیرهای ایران به آستانه هسته ای ختم می شود؟ شاید این مطلب درست باشد اما هر مسیری با مسیرهای دیگر از لحاظ زمان رسیدن به مقصد متفاوت است و پیمودن مسیر، تلاشهای خاص خود را می طلبد. اگر بگوییم که ایران بار دیگر با ایالات متحده و غرب توافق می کند و احتمالاً بار دیگر برنامه هسته ای خود را در معرض نظارت بین المللی قرار دهد، آیا چنین وضعیتی می تواند به تردیدها در مورد جاه طلبی ها پایان دهد به این معنا که ایران در آینده به دنبال دستیابی به یک قدرت بازدارنده هسته ای نخواهد بود؟ به احتمال زیاد، خیر. زیرا برجام اساساً برای به تأخیر انداختن روند هسته ای ایران تدوین شده بود تا برنامه هسته ای ایران را تا زمان مشخصی تحت نظارت بین المللی قرار دهد. اما ایران با استفاده از فرصت تعلیق برجام گام مهمی در راستای تقویت توانمندی خود در زمینه غنی سازی با خلوص بالا برداشت. در نتیجه، می توان گفت که هرگاه تهران زمینه را مناسب بداند حتی اگر برنامه هسته ای اش تحت نظارت بین المللی باشد، باز هم در دستیابی به قدرت هسته ای بازدارنده که برای خدمت به منافع نظام اهمیت حیاتی دارد، تردیدی به خود راه نمی دهد. اما اگر شرایط کنونی را در نظر بگیریم، باز هم به همان نقطه می رسیم؛ زیرا وجود برخی تفاهمهای ضمنی در نبود نظارت بر برنامه هسته ای، ایران را به هدفی که دنبال می کند، می رساند. از این رو، تهران همچنان سیاست مقابله با فشارها و تلاش برای کسب امتیازات را ادامه می دهد. و این بهترین راه موجود برای تکمیل دانش، فناوری و امکانات لازم برای دستیابی به سلاح هسته ای است. و این سیاستی است که با صبر استراتژیک که نظام در تمامی پرونده های حساس خود در پیش گرفته است، همخوانی دارد. و اگر تهران با همین فرمان، سیاستهای هسته ای خود را ادامه دهد در مدتی کوتاه به آستانه هسته ای می

رسد؛ بدون اینکه پیامدهای آن بقای نظام و یا دستاوردهای هسته ای ایران را تهدید کند.

حتی اگر غرب برای پایان دادن به تهدید ایران رفتار کنونی خود در مقابله با جاه طلبی های هسته ای ایران را تغییر دهد، و حملات محدودی به تأسیسات هسته ای ایران انجام دهد و یا اینکه تلاشها برای براندازی نظام را افزایش دهد، این امر سبب می شود که نظام ایران با استفاده از ذخیره روزافزون اورانیوم غنی سازی شده، پیشرفتهایی که در دانش هسته ای کسب نموده و نیز حمایت برخی از متحدان خود، به گامهای خود برای دستیابی به سلاح هسته ای سرعت بخشد. و به احتمال قریب به یقین می توان گفت که فتوای دینی نمی تواند در این راه مانعی ایجاد کند زیرا نظام در طی چندین دهه ثابت کرده است که بیش از آنکه ایدئولوژی گرا باشد، مصلحت گرا است.

